

«با اتحاد پیروز میشویم، با افتراق شکست میخوریم»

بازداشتی های مراسم روز جهانی کارگر آزاد باید گردند

- از سرگیری اعتصاب و تجمعات اعتراضی کارگران شهرداری کوت عبدالله و بازداشت 13 کارگر معترض

- بیانیه جمعی از کارگران آذربایجان علیه توطئه شورای اسلامی کار

- از کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه چه خبر؟

- سومین روز اعتصاب غذای عاطفه رنگریز در زندان قرچک و یادداشت اعلام اعتصاب غذایش

- یادداشت همسر ندا ناجی به مناسبت روز تولد ندا از بازداشت شدگان مراسم روز جهانی کارگر مقابل مجلس

- شکایت کارکنان برون مرزی صداوسیما نسبت به تضييع حقوقشان

\*از سرگیری اعتصاب و تجمعات اعتراضی کارگران شهرداری کوت عبدالله و بازداشت 13 کارگر معترض

طی روزهای گذشته برای باری دیگر، کارگران شهرداری کوت عبدالله مرکز شهرستان کارون در استان خوزستان برای دست یابی به مطالباتشان دست از کار کشیده و تجمعاتی مقابل ساختمان این شهرداری برپا کردند.

مقامات قضایی این شهردنبال شکایت پیمانکار دست به بازداشت و زندانی کردن 13 کارگر معترض زدند.



براساس گزارش رسانه ای شده بتاريخ 26 مهر، شهردار کوت عبدالله ضمن تایید اعتصاب و تجمعات اعتراضی کارگران شهرداری کوت عبدالله طی روزهای گذشته، افزود: حدود 120 نفر از کارگران این شهرداری با تحت فشار قرار دادن شهرداری و پیمانکار به دنبال استخدام شدن در شهرداری کوت عبدالله هستند.

وی ادامه داد: از این رو پیمانکار از کارگران معترض نزد مقامات قضایی شکایت کرد و حدود 13 نفر بازداشت شدند.

#### **\*بیانیه جمعی از کارگران آذربایجان علیه توطئه شورای اسلامی کار**

روز چهارشنبه توطئه‌ای آشکار از طرف شورای اسلامی کار آذربایجان برای شکستن اعتصاب کارگران رخ داد که فردای آنروز با تهدید به لغو قرارداد کار برخی کارگران تکمیل شد. این توطئه همکاری و همراهی تنگاتنگ اعضای شورای اسلامی کار، سهامداران آذربایجان و مأموران نیروی انتظامی را بر ما مسلم کرد. اعتصابی که بیش از یازده روز آن را با خون دل حفظ کردیم؛ آنهم درحالی‌که به خاطر مطالبه خلع ید سهامداران فعلی و حضور در هیئت مدیره برای اعلام همراهی با آنها، همکارانمان بارها احضار شدند؛ فردای هر روز اعتراض در خیابان و ریل راه آهن، لشکرکشی و مأموران انتظامی اطراف کارخانه را محاصره کرده و با گاز اشک آور از ما پذیرایی می‌کردند و برای ایجاد ترس بین کارگران بر سپرهایشان می‌کوبیدند.

شورای اسلامی کار آذربایجان با نقشه‌ای از پیش طراحی شده، فراخوان جلسه‌ای تحت عنوان نشست هم‌اندیشی شورا با پرسنل را دادند. نهایتاً «شکستن اعتصاب و درخواست تغییر هیئت مدیره فعلی» به عنوان نتیجه جلسه اعلام شد. اما واقعیت ماجرا توطئه‌ای مسلم از طرف عوامل سهامداران فعلی و دولت برای سرکوب کارگران بود.

این جلسه توسط تعداد زیادی از کارگران، به ویژه بچه‌های بخش تولید تحریم شده بود و تعدادی نیز در میانه جلسه آنرا ترک کردند. به دروغ می‌گویند اکثریت کارگران رای به شکستن کارگران دادند اما نمی‌گویند در یک کارخانه ۱۶۰۰ نفره رای‌گیری را با حضور کمتر از ۱۵۰ نفر انجام دادند که تعداد بچه‌های خط تولید به ۳۰ نفر هم نمی‌رسید که بچه‌های تولید رای به ادامه اعتصاب داده بودند. الحق که ماموران نیروی انتظامی نیز نمی‌توانستند انقدر تر و تمیز کارگران را سرکوب کرده و به زور مشغول به کار کنند؛ حالا شنیده‌ایم که صدا و سیمای اراک روز یکشنبه قرار است به کارخانه بیاید و این پروژه سرکوب را به اتمام برساند و یک مشت دروغ از جانب کارگران آذرباب به جامعه بگوید.

ما یازده روز اعتراض کردیم. خیابان را بستیم. راه‌آهنی را بستیم که چند روز قبل کارگران هپکو آنجا ضرب و شتم شده بودند اما نترسیدیم و حقمان را خواستیم. طبق اصل ۴۴ دولت حق ندارد که شرکت‌های مادر تخصصی مثل آذرباب را خصوصی کند. از سال ۸۲ آشکارا تخلف شد و کسی برایشان لشکرکشی نکرد! حالا کدام امتیاز را گرفته‌ایم که کارکنیم؟ حقوقمان پرداخت شد؟ سهامداری بانک کشاورزی و شیرالی لغو شد؟ پرونده ۱۵۰ میلیاردی فریبرز پرنا در قوه قضاییه رسیدگی شد؟ حالا شورای اسلامی کار خواسته لغو سهام سهامداران فعلی را به رفتن هیئت مدیره تقلیل داده و این آشکارا نشان می‌دهد که آنها از عوامل سهامداران هستند و گرنه ما همه جا خواسته مان را فریاد زدیم.

حالا هرچقدر هم ما را تهدید کنید، این واقعیت که شما عملاً با ماموران انتظامی و امثال شیرالی و خزعلی هستید، آشکارتر می‌شود. حالا معلوم می‌شود که چرا نماینده وزارت کار به دروغ پایان اعتصاب آذرباب را اعلام می‌کند اما در کمتر از دو روز دروغش آشکار می‌شود. شما نیز با همه توانتان قدرت ندارید اعتصاب را در آذرباب بخشکانید. چنانکه شهریور ۹۶ باتوم و گاز اشک آور نتوانست. چنانکه ریلی که کارگران هپکو را زدید خالی نگذاشتیم.

"جمعی از کارگران اعتصابی کارخانه آذرباب اراک"

\*از کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه چه خبر؟

**1- ادامه تجمع جمعی از کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه**

روز جمعه 26 مهر، خبری مبنی بر ادامه جمعی از کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه برای بیست و ششمین روز در شبکه های اجتماعی منتشر شد.

**2- سندی‌کای کارگران نیشکر هفت تپه: تهدید و ارباب کارگران محکوم است**

نان کار آزادی

شادی رفاه آبادی

اعتراض اعتصاب تشکل حق مسلم ماست

اسماعیل راگرفتن ماهمه بخشی هستیم

دیشب پنج شنبه ۲۵ مهر ۹۸، مامورین نیروی های حفاظت اطلاعات شوش، برای دستگیری یوسف بهمنی واقع در منازل سازمانی هفت تپه، هجوم بردند، اما آقای بهمنی در منزل حضور نداشتند.

لازم به ذکر است که یوسف بهمنی طی چند روز گذشته توسط همین نهاد به همراه پنج نفر از همکاران خود که قصد رفتن به مجلس را داشتند، در بزرگ راه خرم آباد به تهران ( عوارضی خرم آباد ) بازداشت شده بودند و بعد از چهار روز بازداشت، با قرار وثیقه آزاد شدند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه هرگونه تهدید، بازداشت، تعرض و هجوم به محل کار و سکونت کارگران را شدیداً محکوم کرده و خواهان پایان دادن به این گونه برخوردهای ضد انسانی و پایان دادن به پرونده سازی برای کارگران میباشد.

۲۶ مهر ۹۸

### \*سومین روز اعتصاب غذای عاطفه رنگریز در زندان قرچک و یادداشت اعلام اعتصاب غذایی

از درس‌های دانشکده جنگ زندگی: هر آنچه مرا نکشد، قوی‌ترم می‌سازد.

در تجمع روز جهانی کارگر در تاریخ یازده اردیبهشت نود و هشت بازداشت شدم و پس از ۴ روز با وجود صدور قرار کفالت ۳۰ میلیونی از آزادی من جلوگیری شد و پس از ۲۸ روز بازجویی و چندین بار انتقال از زندان قرچک به اوین با پرونده‌سازی کاملاً مشهود روبرو شدم با آنکه بارها و بارها در پاسخ‌های خود گفته بودم که فعالیت‌های من کاملاً قانونی بوده و درکی از سوالات شما ندارم.

در ادامه این روند ناعادلانه قرار وثیقه من به ۵۰ و ۷۰ میلیون تومان افزایش یافت و این بار نیز دادسرا از قبول قرار کفالت سرباز زد و باز خانواده به دیوارهای ناعادلانه برخورد کرد؛ آن‌ها در بیرون سرگردان شدند و من نیز در داخل زندان.

این سرگردانی همچنان ادامه یافت تا آن که دادگاه بدوی‌ام در تاریخ ۱۴ مرداد ماه در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب برگزار شد. دادگاهی که امکان دفاع و پاسخ‌گویی به آن نبود و رنگ و بوی فرمایشی داشت. قاضی مقیسه مبلغ قرار وثیقه را به دو میلیارد تومان افزایش داد. با این وجود، خانواده با این در و آن در زدن بالاخره توانستند این وثیقه سنگین را فراهم کنند اما بار دیگر طی روندی کاملاً غیر قانونی با قبول وثیقه مخالفت شد و در نهایت حکم یازده سال و نیم زندان به وکیل من ابلاغ شد. حکمی که نه بر اساس ادله موجود در پرونده که بیشتر به اتهامات ردیف شده بازجویان بازمی‌گشت.

این جانب بارها به روند غیر قانونی پرونده‌ام از جمله عدم قبول وثیقه، عدم اجرای اصل تفکیک جرائم، صدور احکام ناعادلانه به طرق مختلف اعتراض کرده‌ام و این خلاصه‌ای است از روند غیرقانونی وضعیت من در این ۵ ماه و ۱۳ روز و سردواندن خانواده در بیرون و من در داخل زندان.

بازی‌دانی که گران می‌آید، زیرا گویی عدالتی در کار نیست و پرسش اینکه چگونه دستان من در این بند بی عدالتی می‌تواند خودش را آزاد کند، کماکان پابرجاست. این بندها دستان مرا به دستان بسیاری گره می‌زند، دستان خواهرانم که جز برای حق‌طلبی گره نشده‌بود و شدیدترین ستم‌ها هم نتوانسته گره آن‌ها را باز کند، دستان دلسوزترین جان‌های این سرزمین بلاخیز که برای آموزش بهتر، برای کودکی ربوده شده، برای حداقل‌های زندگی شایسته بلند شدند و داس بی‌عدالتی هم نتوانسته از رویش آن‌ها جلوگیری کند، دستان خشکیده‌ی زندانیانی که قربانی چرخ دنده‌های بی‌رحم انواع تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی شده‌اند.

از این رو بدن خود را سلاحی می‌کنم در برابر این همه بی‌عدالتی که بر ما گذشت و می‌گذرد و اعتصاب غذای خود را در اعتراض به عدم پذیرش غیرقانونی وثیقه‌ای که تاکنون پنج بار با در بسته

و دیوارها روبرو شد و همچنین صدور احکام ناعادلانه و نگهداری غیرقانونی در زندان قرچک اعلام می‌کنم. نیک آگاهم که جان من برای آنان که به بازی‌اش گرفته‌اند ارزش محافظت ندارد، و این رنج را برای شکستن این دیوار سکوت که قتل خاموش جامعه‌ی مدنی و صدای حق طلبی ما است، تحمل می‌کنم.

از این رو، نوشته‌ام را با دو کلمه تمام می‌کنم که پژواک آن در سرتاسر تاریخ ما فرودستان پیچیده است:

"یا مرگ یا آزادی"

عاطفه رنگریز

زندان قرچک

۲۴ مهر ۹۸

**\*یادداشت همسر ندا ناجی به مناسبت روز تولد ندا از بازداشت شدگان مراسم روز جهانی کارگر مقابل مجلس**

امروز تولد ۳۰ سالگی توست و صدو هفتادویکمین روز از بازداشتات

و من که باید چیزی بنویسم برای تو برای دل‌تنگی‌هایم، حالا که نیستی نوشتن برابم سخت‌تر شده، آنوقت‌ها که پیش هم بودیم، هرچه می‌نوشتم را اول به تو نشان می‌دادم، تو باید تشخیص می‌دادی که نوشته‌ام به درد بخور است یا نه، و حالا نیستی و من سعی می‌کنم اصلاً به این فکر نکنم که این سطرها می‌توانند چقدر ضعیف باشند.

پاییز ۷ سال پیش بود که برای اولین بار در پارک ایرانشهر همدیگر را دیدیم و من چقدر خوشبخت بودم که آن روز تو را یافتم. از آن روز تنها دوبار از هم جدا بوده‌ایم و بی‌خبر از هم، بار اول همان سال ۹۱ بود و دو هفته‌ای که من بازداشت بودم و اینبار ۱۷۱ روز است که تو در بازداشتی و معلوم نیست این بازداشت لعنتی تا کی قرار است کش بیاید.

آدم‌ها توان عجیبی در عادت کردن دارند، راستش را بخواهی از یک طرف می‌ترسم از اینکه به جای خالی‌ات عادت کنم، می‌ترسم نباشی و من یادم برود که نیستی و از طرفی دیگر ترس از دست دادن و نبودن برای سال‌ها مثل خوره به جانم افتاده و هر بار تو را به یاد می‌آورم که از پشت شیشه‌ی کدر سالن ملاقات گفתי برای هفت سال و نیم خودت را آماده کرده‌ای، و انقدر محکم این جمله را گفتم که من مبهوت این همه قدرت و ایمانی شدم که در تو بود. و نتوانستم بگویم که چقدر دلم برایت تنگ شده و چقدر به بودن نیاز دارم.

ندای جانم تو بهترین رفیق بودی و هستی و میدانم که برمی‌گردی تا باز باهم سعدی بخوانیم، باز باهم فیلم ببینیم و بعد باهم سوار موتور شویم و برویم بیرون و تو «سرود کارگر» را بخوانی: (چرخ صنعت به گردش فتد از سر انگشت زحمت کشان...) و من فقط کارگر، کارگر، کارگرش را بلد باشم که با تو همراهی کنم

تولدت مبارک رفیق

جمال عاملی

## \*شکایت کارکنان برون مرزی صداوسیما نسبت به تضییع حقوقشان

فرشاد اسماعیلی، حقوقدان و پژوهشگر حوزه‌ی کار چند روز پیش طی توییتی اعلام کرد که قصد شکایت از صداوسیما را دارد. او در این توییت نوشته بود که به نمایندگی از خبرنگاران هیسپان تی وی از این شبکه به خاطر تضییع حقوق خبرنگاران شکایت خواهد کرد.

اسماعیلی می‌گوید این خبرنگاران هیچ نسخه‌ای از قرارداد خود ندارد، حق بیمه از حقوق آنها کسر می‌شود، پول سنوات و شبکاری یا کار در روز تعطیل هم داده نمی‌شود. به گفته‌ی او تا کنون حدود ۱۰۰ شکایت از معاونت برون‌مرزی صداوسیما در اداره‌ی کار ثبت شده است.

جلسه‌ی بررسی این پرونده چهارشنبه، ۲۴ مهر در اداره‌ی کار برگزار شد و اسماعیلی معتقد است با دقت همه‌ی موارد بررسی شده و او امیدوار است رای له شاکیان صادر شود.

اسماعیلی در توییت خود نوشته بود: «به عنوان نماینده‌ی تعدادی از کارگران خبرنگار، از صداوسیما (شبکه برون مرزی هیسپان تی وی) در اداره کار به خاطر تضییع حقوق متعدد خبرنگاران شکایت کردم. قبلاً هم شکایت‌های دیگری در همین اداره از پرس تی وی مطرح شده. این شبکه‌های برون مرزی صداوسیما در تضییع حقوق خبرنگار سابقه دارند!»

هادی غلامی و زهره سنقری، دو نفر از شاکیان این پرونده هستند. غلامی می‌گوید مدام تهدید اخراج بالای سر کارکنان این واحد است و خود او هم به خاطر پافشاری برای یک مرخصی اخراج شده در حالی که در پنج سال گذشته یک بار هم از مرخصی استفاده نکرده است. غلامی مدعی است در این شبکه ویراستارها و مجریان غیر متخصص خارجی وجود دارند که حقوق بالایی می‌گیرند اما کیفیتی ندارند.

سنقری نیز می‌گوید از ابتدای تاسیس شبکه‌ی هیسپان تی وی آنجا بوده، سال اول بیمه نشده و از سال دوم هم حق بیمه از حقوقش کسر شده است، او همچنین می‌گوید برگه‌ای به او داده‌اند و خواسته‌اند امضا کند که در آن نوشته شده بود تا پنج سال آینده همه‌ی حقوق و مزایایش را گرفته و حق شکایت ندارد. سنقری همینطور از تبعیض جنسیتی در این شبکه انتقاد داشت.

فرشاد اسماعیلی در مورد شکایتی که از صداوسیما کرده گفت: «من به عنوان نماینده یا وکیل کاری تعدادی از خبرنگاران شبکه‌ی «هیسپان تی وی»، شبکه‌ی اسپانیایی زبان صداوسیما، از صداوسیما شکایت کردم و ۲۴ مهر هم جلسه‌ی رسیدگی در اداره‌ی تشخیص اداره کار است.

سنت‌هایی در شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما به خصوص در هیسپان تی وی و پرس تی وی وجود دارد که غیرقانونی است، شکایت‌هایی هم در اداره‌ی کار در خیابان میرزای شیرازی پیش از این مطرح شده بود.»

او در مورد موارد تخلف صداوسیما گفت: «در موارد متعددی حقوق خبرنگاران که به عنوان کارگر شناخته می‌شوند، تضییع شده است. نوعی رسم و رسوم غیرقانونی در بخش برون‌مرزی صداوسیما جاری است. قبلاً هم سابقه‌ی شکایت بوده اما هیچوقت رسانه‌ای نشده است. توقع می‌رود که شبکه‌ای با اینهمه دبدبه کبکبه، حق و حقوق خبرنگاران و کارگزارانش را رعایت کند که متأسفانه اینطور نیست، من به عنوان وکیل چند نفر از این خبرنگارها شکایت کردم.»

حقوقی که از این خبرنگاران تضییع شده متعدد است. تعدادی از آنها در حق بیمه مشکل داشتند یعنی بیمه نشدند یا حق بیمه‌ی تعدادی از آنها که اصرار به بیمه داشتند به واسطه‌ی شرکت واسط پرداخت

شده و حتی مبالغ را هم از حساب خود خبرنگار کم می‌کردند و واریز می‌کردند. در بعضی مواقع بین خبرنگار و شرکت واسط هیچ رابطه‌ی کارگری، کارفرمایی و رابطه‌ی مزدی وجود نداشت. به نظر می‌رسد اینجا تخلف از قانون صورت گرفته، چون شرکتی واسطه قرار داده شده است که کارفرمای خبرنگار نیست. صداوسیما هیچ نسخه‌ای از قرارداد با این خبرنگاران را به آنها نداده است و تنها راه آنها برای اثبات رابطه‌ی کارگری- کارفرمایی که دارند فقط حقوق‌هایی است که برایشان واریز می‌شده است.

به هیچکدام از این افراد با اینکه سابقه‌ی زیادی دارند، سنوات هم پرداخت نشده است. در مورد عیدی هم یا ناقص ریخته می‌شد و یا در چند مورد کلاً پرداخت نمی‌شد. خیلی از آنها شبکار بودند که اصلاً حقوق شبکاری به آنها پرداخت نمی‌شد. در اجرای رای که صادر می‌شود هم به مشکل خوردند چراکه اموال صداوسیما اموال دولتی محسوب می‌شود و نمی‌توان آن را توقیف کرد. وقتی شبکه پول این خبرنگاران را نمی‌دهد آنها به اجرای احکام می‌روند تا اموال شبکه را توقیف کنند اما به مانع می‌خورند، الان خیلی از آنها در وصول مطالباتشان به مشکل خورده‌اند. البته ما هنوز به مرحله‌ی اجرای رای نرسیده‌ایم ولی سابقاً شنیده شده که در روند اجرا مشکلاتی وجود داشته است.»

او در پایان افزود: «پیشنهادی که ما از نظر حقوقی داریم این است که این فرارها از قانون را کنار بگذارند؛ این موضوع به خصوص برای مجموعه‌ای که اسم ملی روی آن است و شبکه‌ی برون مرزی است و مدعی اعتباری است، خوب نیست. سازوکار رعایت قانون کار را آنجا پیاده کنند، اولین قدم هم این است که یک نسخه از قرارداد را به خود کارگر بدهند، حق بیمه هم با دستمزد واقعی و توسط خود کارفرما پرداخت شود، سنوات و عیدی هم پرداخت شود.»

اسماعیلی در مورد جلسه هیات تشخیص اداره کار که دیروز، ۲۴ مهر برگزار شد توضیح داد: «با وجود اینکه نماینده و وکیل صداوسیما قصد داشتند روند دادرسی را به شیوه‌های نامتعارفی تحت تاثیر قرار دهد و و جلوی احقاق حقوق کارگران را بگیرند، دادرسی در هیات تشخیص ۲ اداره‌ی کار میرزای شیرازی انجام شد و ریاست این هیات تشخیص به درستی موارد را بررسی کردند و در بیشتر آنها هم وکیل صداوسیما به تضییع حقوق کارگران اقرار کردند.»

همه‌ی موارد به خوبی بررسی شد و ما امیدواریم که رای له شاکیان صادر شود و در مرحله‌ی اجرا هم به مشکلی برخورد، با توجه به اینکه بیش از ۱۰۰ پرونده‌ی شکایت از شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما در اداره کار ثبت شده، ما امیدواریم که این روند تضییع حق متوقف شود و تسویه حساب‌های مالی و بیمه‌ای این خبرنگارها انجام شود.

هادی غلامی خبرنگار سابق هیسپان تی وی است؛ او در مورد شرایط کار در این شبکه می‌گوید: «من را بیمه نکردند، تحت فشار می‌گذاشتند که خودمان با یک شرکت واسطه که اصلاً به ما ربطی نداشت قرارداد ببندیم که برای ما بیمه رد کنند، من زیر بار چنین چیزی نرفتم. شنیده‌ام این شرکت اخیراً منحل شده و شرکت دیگری جای آن را گرفته است تا جایگزینی این شرکت هم یک یا دو ماه طول کشیده که بیمه به اسم هیسپان رد شده است اما الان به اسم شرکت سروش رد می‌شود که انگار همان سروشی است که محصولات فرهنگی تولید می‌کند.»

از ابتدا که برون مرزی صداوسیما که هیسپان تی وی و پرس تی وی و یک بخشی از آی‌فیلم را شامل می‌شود، تاسیس شد، همین مشکلات بود و حق بیمه و سنوات پرداخت نمی‌شد. ما در کل آنجا قرارداد نداشتیم که مشخص شود رابطه‌ی کارگر و کارفرما چیست. فقط یک برگه جلوی ما گذاشتند

که در آن آمده بود حق اظهار نظر سیاسی نداریم، ما حتی این نسخه را هم نداریم. چه کسانی که در اتاق خیر کار می‌کنند و چه کسانی که در قسمت تدوین کار می‌کنند همه همین برگه را امضا کردند.

کسانی که شکایت کردند به چند مشکل برخوردند، یکی اینکه هنوز نتوانستند حق بیمه‌ای که خودشان پرداخت کرده‌اند را بگیرند. معاونت برون‌مرزی می‌گوید باید بودجه تخصیص پیدا کند و همینطور ۱۸ ماه زمان می‌خرد و بعد هم می‌گویند هیچ حسابی به نام ما نیست و اینطور که ما در جریان هستیم واقعا هم هیچ حسابی به نام برون‌مرزی ثبت نشده است.»

او همچنین صحت و سقم بعضی از مدارکی که صداوسیما ارائه داده است را زیر سوال برد.

غلامی از وجود شخصی می‌گوید که وکیل نیست اما وکالت بیشتر شاکیان را دارد: «بیشتر کسانی که ما می‌شناسیم و علیه صداوسیما شکایت کرده‌اند، به فردی به نام «م» حق وکالت داده بودند، این شخص وکیل نیست و کسانی که رابطه‌ی بهتری با سازمان دارند او را به این افراد معرفی کرده بودند. چیزی که باعث شد ما به این فرد شک کنیم این بود که جدا از اینکه حکم‌هایی که موکلان او می‌گرفتند نرمال نبود و حتی سابقه کار آنها هم درست رد نمی‌شد، ما از یکی از موکلان او خواستیم حکم را به ما نشان بدهند اما آقای «م» خیلی سرسختانه مخالفت کردند و گفتند حکم محرمانه است. این باعث شد ما مشکوک شویم چون حکم اداره کار اصلا محرمانه نیست.

کار ما شیفته است، ۲۴ ساعت به سه شیفت تقسیم می‌شود، شیفت‌ها را می‌چینند و ما می‌رویم. در تمام پنج سالی که من در هیسپان تی وی کار کردم، یک روز هم مرخصی نگرفتم، بعد از پنج سال درخواست مرخصی دادم و ده روز مانده به آن دیدم که در آن روز برایم شیفت گذاشته‌اند. من نامه زدم و نوشتم که از دو ماه و نیم قبل درخواست مرخصی دادم، و اگر شما نقطه‌نظری هم داشتید باید اعلام می‌کردید. بعد از این نامه هیچ کاری نکردند و من به مدیران شبکه نامه زدم و وضعیت را شرح دادم، پنج خرداد، یعنی چند روز قبل از زمانی که برای آن مرخصی می‌خواستم با من تماس گرفتند و اعلام قطع همکاری کردند. این در حالی است که خیلی از همکاران ما سالیانه ۳۰ روز از مرخصی استفاده می‌کنند. معوقات شیفت‌هایی که مانده بودم را هم به من ندادند.»

او در ادامه اضافه می‌کند: «تفاوتی بین شبکاری و روزکاری ما نبود و پول شبکاری را به ما نمی‌دادند البته تفاوت قیمت جزئی‌ای بود اما آنقدر که طبق قانون باید باشد نبود. پول روز تعطیل با روز غیرتعطیل هم هیچ تفاوتی نداشت. چیزی که عجیب بود این بود که اگر خبر اشکال گرامری داشت از خبرنگار تا ویراستار و سردبیر همه به طور سلسله‌مراتبی جریمه می‌شدند و سی درصد از حقوق آن شیفت کم می‌شد. هیچ چارچوبی هم برای این موضوع تعریف نشده بود و به طور سلیقه‌ای برخورد می‌شد. پخش شیفت شب هم سلیقه‌ای بود؛ برای مثال همسر یکی از مدیران اصلا شیفت شب نمی‌ماند. ماهی سه بار هم بیشتر نمی‌توانستیم شیفت‌هایمان را جابه‌جا کنیم.

اینطور نبود که حقوق را ندهند یا دیر بدهند. مقدار آن پنج سال پیش آنقدر بود که بیارزد اما از آنجا که تا الان بین بیست تا سی درصد افزایش حقوق داشتیم، این دوسال آخر اصلا نمی‌صرفید. سیستم حقوق‌دهی بر اساس ارزیابی بود، سردبیرها ارزیابی می‌کردند و به هر کسی نمره‌ی A، B یا C می‌دادند و حقوق بر اساس آن بود، برای آن هم قاعده‌ی خاصی نبود. عیدی را هم از کف مقداری که باید می‌دادند کمتر دادند. دوران آموزشی زمانی که ما شروع کردیم ۱۵ روز الی یک ماه بود اما در چند وقت اخیر افرادی که وارد می‌شدند سه ماه بدون حقوق کار می‌کردند.»

سنقری: در این شبکه تبعیض جنسیتی بود



زهره سنقری نیز درباره‌ی دوره‌ی فعالیت خود در هیسپان تی وی گفت: «من از ابتدای فعالیت هیسپان تی‌وی یعنی از حدود هشت سال پیش اینجا هستم؛ از همان ابتدای امر ما بیمه نشدیم و تا یک سال گفتند امکان این موضوع وجود ندارد چون باید یک سال کار کنید و بعد بیمه می‌شوید. همان ابتدا یک سری مدارک برای ما آوردند و ما آن را امضا کردیم و متن آن مدارک هم این طور بود که ما تا پنج سال آینده تمام حقوق و مزایا را دریافت کردیم. یعنی در متن آمده بود که من ۱/۷/۹۰ شروع به کار کردم تا ۱/۷/۹۵ من همه‌ی حقوق و سنواتم را گرفتم و هیچ ادعایی هم ندارم، همان موقع ما اعتراض کردیم و مسوول بیمه که می‌گفت «این روند کار است و همه این فرم را پر می‌کنند، حتی خودم هم پر کردم.»

بعد از یک سال به ما گفتند حالا می‌توانید بیمه شوید، اما بیمه با واسطه از طرف یک شرکت تعاونی برای ما پرداخت می‌شد، بعد از این اتفاق متوجه شدیم کل آن حق بیمه از حقوق خودمان کم می‌شود و این قانون ۷۰ درصد کارفرما و ۳۰ درصد کارگر اصلا وجود ندارد و به صورت صد درصد از حقوق خودمان کم می‌شود و توجیه مدیران این بود که حقوق شما از بقیه بخش‌های صدا و سیما بیشتر است، در صورتی که در صدا سیما شیفته‌ها شش ساعته است و ما هشت ساعته هستیم، علاوه بر این زبان اسپانیایی هم هر کسی بلد نیست و نیروها یک مقدار تخصصی‌تر هستند، بنابراین طبیعی بود که حقوق ما بیشتر از بخش‌های دیگر باشد.

این روند سال‌ها ادامه داشت، چه آن زمان که آقای سرافراز مدیر بودند و چه بعد از ایشان، زمان آقای پیمان جلی، این وضعیت هیچ بهبودی پیدا نکرد، ولی به ما گفتند صدا و سیما طرحی به نام ساماندهی کارکنان ایجاد کرده، این طرح فقط به کارکنان برون مرزی مربوط نبود و همه‌ی کارکنان صدا و سیما را شامل می‌شد.

ما برای قرارداد به ساختمان جام جم رفتیم و متوجه شدیم، تنها ما نیستیم که درگیر چنین وضعیتی نامشخصی هستیم، بلکه خیلی‌ها وضعیت نابسامانی دارند. در بخش برون‌مرزی نه تنها خبرنگاران بلکه کارگردان‌ها، تهیه‌کنندگان و دیگران وضعیت اسفناکی داشتند. برگه‌ای که در ساختمان جام جم جلوی ما گذاشتند، متن عجیبی داشت، سابقه‌ی بیمه برای خیلی از افراد کمتر از آنچه بود، نوشته بودند که بعضی متوجه این موضوع می‌شدند و خیلی‌ها متوجه این نشدند.

از ما تعهد می‌گرفتند حق هیچ‌گونه شکایتی را ندارید و متعهد شوید که هیچ‌گونه شکایتی نمی‌کنید و بیمه، سنوات و عیدی و غیره به شما پرداخت شده است، اما وقتی من گفتم از این تعهد یک رو نوشت می‌خواهم، گفتند امکان ندارد، حتی خواستم از تعهدنامه عکس بگیرم ولی با رفتار خیلی زشتی مواجه شدم، یعنی کاغذ را از زیر دست من کشیدند و پاره کردند، اما یکی از همکارانم موفق شده و یک عکس گرفته بود.

این طور که من شنیدم تعداد شکایت‌ها زیاد شده بود و در مدت یک ماه طرح ساماندهی را اجرا کردند چون همه‌ی حق و حقوق خود را می‌خواستند. این اواخر که من آنجا بودم، واقعا حق بیمه بالا رفته بود، برای همین از تیرماه بیمه‌ام را کنسل کردم چون از شروع سال ۹۸ حق بیمه پانصد و خورده‌ای هزار تومان شد و برای من اصلا صرف نداشت، اما بعد از اینکه بیرون آمدم متوجه شدم موضوع بیمه درست شد.»

سنقری در جواب اینکه اگر این تعهدنامه‌ها را امضا نمی‌کردید، چه اتفاقی می‌افتاد گفت: «در این مورد شایعه زیاد بود و من به طور دقیق نمی‌توانم چیزی بگویم که چه اتفاقی می‌افتاد ولی خیلی‌ها از ترس اینکه اخراج شوند تعهدنامه‌ها را امضا می‌کردند. رییس شبکه‌ی هیسپان تی وی به صورت غیر مستقیم به چند نفر از همکارها گفته بودند بهتر است این تعهدنامه را امضا کنید چون اگر قرار به تعدیل نیرو باشد، تعدیل از همکارانی شروع می‌شود که امضا نکردند، من خودم به شخصه به همین دلیل تعهدنامه را امضا کردم.

این طور که من حساب کردم در این هشت سال حدود ۲۰ یا ۳۰ میلیون به شخصه پول بیمه دادم، سنوات هم به هیچ عنوان به ما تعلق نگرفت، حتی عیدی هم کاملاً شبیه به چیزی بود که وزارت کار اعلام می‌کرد ولی نه دو برابر، فقط یک حقوق را پرداخت می‌کردند. ما به هیچ عنوان حق غیبت نداشتیم و اگر چنین اتفاقی می‌افتاد دو شیفت که آمدیم از حقوقمان کم می‌شد و مثلاً اگر سه بار غیبت انجام می‌شد، همکار تعلیق می‌شد و تا در موردش تصمیم گرفته می‌شد. حتی مرخصی هم به هیچ عنوان نداشتیم. مرخصی ساعتی در شرایطی می‌گرفتیم که جریمه‌ی آن دوبرابر بود، یک بار من در شیفت بودم و خبر دادند مادر بزرگم فوت شده، از سردبیر خواستم زودتر بروم، ولی باز هم جریمه شدم و با صحبت‌هایی که شد به اندازه‌ی یک ساعت جریمه می‌شد.»

سنقری با اشاره به تبعیض جنسیتی در این شبکه گفت: «در آنجا امکان پیشرفت زیادی برای خانم‌ها وجود نداشت؛ در این مدت در اتاق خبر به خاطر فشارهایی که وجود داشت فقط یک خانم اسپانیایی‌الاصل سردبیر شد که در این مدت هم یک عنوان جدید به نام کمک سردبیر تعریف کردند و یک آقا گذاشتند تا به عملکرد سردبیر نظارت کند یعنی در عمل این خانم سردبیر نبود.

[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)